

Unit 14 book 5

دارایی

یک دارایی یک مهارت یا کیفیت است که مفید یا ارزشمند است.
مربی متوجه شد که سرعت پسر یک دارایی برای تیم بود.

جنبه

یک جنبه یک بخش یا ویژگی چیزی است.
من در مورد جنبه های مختلف متعلق به دو سگ فکر کردم.

القباء نابینایان

بریل یک سیستم الگوهای مطرح شده بر روی کاغذ است که کور را قادر به خواندن میکند.
پسر لذت برد از خواندن کتاب های مورد علاقه خود به خط بریل.

جوانه

جوانه بخشی از یک گیاه است که به یک گل یا برگ تبدیل می شود.
دو هفته پس از کاشت دانه، یک جوانه کوچک ظاهر شد.

هماهنگ کردن

هماهنگی چیزها این است که قطعات مختلف باهم کار کنند.
هر تیم اسکیت باید جنبش های خود را برای نمایش هماهنگ کند.

رد کردن

رد کردن چیزی به معنای نشان دادن این است که درست نیست.
دانشمند تئوری را که خورشید در اطراف زمین حرکت کرد، رد کرد.

بشر دوستانه

اگر چیزی بشر دوستانه باشد، به کمک به زندگی مردم مربوط است.
پس از سیل، چندین سازمان بشر دوستانه کمک کردند.

فرضیه

یک فرضیه ایده ای برای چیزی است که هنوز ثابت نشده است.
معلم یک آزمایش برای اثبات اینکه آیا فرضیه او درست بود، انجام داد.

تاثیر

تاثیر یک اثر یا درس از یک تجربه است که سخت است فراموش شود.
تجربه جنگ اثر بدی روی ذهن او گذاشت و موجب ناراحتی او شد.

معلوم

هنگامی که چیزی آموزنده است، اطلاعات زیادی را فراهم می کند.
راهنمای سفر بسیاری از حقایق آموزنده در مورد منطقه داشت.

نوری

هنگامی که چیزی نوری است، به چشم یا نور مربوط می شود.

نابینایی او توسط یک مشکل در عصب بینایی او ایجاد شد.

فرضیه

فرضیه ایده ای است که بر اساس آن چیزی استوار است.

فرضیه فیلمی که بابی و من تماشا کردیم غیر واقعی بود.

طاقچه

طاقچه یک شی با قفسه هایی است که همه چیز را نگه می دارد.

او ابزار خود را در یک قفسه ذخیره کرد.

رنسانس

رنسانس یک دوره بین قرن های 14 و 17 بود.

لئوناردو داوینچی یک هنرمند محبوب رنسانس بود.

احترام کردن

احترام به چیزی این است که آن را به شدت تحسین کنید.

دانش آموزان به معلم خود احترام می گذارند، که به آنها بسیار آموخته اند.

همزمان

هنگامی که چیزی همزمان است، همان زمان با چیز دیگری رخ می دهد.

حرکت چرخ دنده ها در داخل ساعت همزمان بود.

شکاک

شکاک فردی است که چیزی را باور نمی کند.

دانشمند شک و تردید را نشان داد که دایناسورها با ارائه شواهد وجود داشت.

فضایی

هنگامی که چیزی فضایی است، به موقعیت و اندازه چیزها مربوط می شود.

از او خواسته شد که کتاب ها کجا قرار دارند تا توانایی فضایی اش را تست کنند.

مشخص نمودن

مشخص کردن چیزی به معنای به وضوح توصیف کردن آن است.

پوستر مشخص نکرد که کجا کنسرت رخ داده است.

موم

موم ماده ای است که کمی براق است و وقتی گرم می شود، ذوب می شود.

شمع از موم ساخته شده است.

روز بدون دید

در روز جمعه بعد از ظهر، معلم سام یک وظیفه ویژه داشت.

او گفت: "هفته آینده، ما قرار است تلاش های بشر دوستانه را در سراسر دنیا از زمان رنسانس مطالعه کنیم که شامل کمک به افراد نابینا است." "در طول آخر هفته، من می خواهم از هر یک از شما که یک چشم بندی برای یک کل روز بزنید. فرضیه این آزمایش این است که به شما کمک می کند تا بدانید که افراد نابینا چگونه هستند." "

سام دچار شک و تردید بود او واقعا فکر نمی کرد که این کار بیش از حد چالش برانگیز باشد. شنبه صبح، سام یک تکه پارچه را گرفت و آن را در اطراف سرش گذاشت تا چشمانش را پوشاند. سپس او برای صبحانه به آشپزخانه رفت. او صداهای والدین و برادران خود را شنید، اما نمی توانست مشخص کند که هر کدام از آن صدا ها مربوط به چه کسی است. او در مورد اینکه چقدر شنوایی برای افراد کور مهم است، فکر کرد.

"آیا می توانید روزنامه را به من منتقل کنید، لطفا؟" او درخواست کرد. فقط پس از آن، او به یاد می آورد که او نمیتواند کلمات را در صفحه ببیند. او تعجب کرد که آیا روزنامه های هم ساخته شده اند.

پس از اتمام صبحانه، برادرانش از او خواسته بودند فوتبال بازی کنند. همانطور که او آنها را دنبال کرد، به طور تصادفی به داخل قفسه نانوائی رفت. او همچنین دریافت که او نمی تواند فوتبال بازی کند. او نمی تواند اقدامات خود را بدون اینکه قادر به دیدن باشد، هماهنگ کند. بدون حس های نوری او، او هیچ آگاهی فضایی نداشت. علاوه بر این، او نمی تواند فعالیت های همزمان را انجام دهد، زیرا او اول باید مطمئن شود که امن است.

او در چمن نشسته بود. ناگهان، او متوجه شد که اگرچه او نمیتواند ببیند، حس های دیگر او کاملا خوب کار می کردند. در واقع، او شروع به درک جنبه های جدید و متفاوت از اشیاء مشترک کرد. به عنوان مثال، او یک جوانه گل گرفت و با انگشت خود احساس کرد. او برای اولین بار متوجه شد که به نظر می رسد با موم پوشیده شده است.

فرضیه او درباره کور بودن رد شد. آزمایش آموزنده بر او اثر گذاشت. این نشان داد که او دارای یک دارایی بود که باید قدردانی شود و به او آموخت تا استعداد های مردم کور را احیا کند.